



Developing an Applied Training Program to Eempower Adoptive Parents and its Effectiveness on the Parent-Child Relationship and Parenting Challenges

Farzad Shakouei ¹ | Mohsen Jadidi ² | Saba Hassanvandi ³

1. Phd student, Department of Clinical Psychology; Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran
2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Philosophy of Education, Department of Education, Amin Police University, Tehran, Iran. Email: jadidi.mohsen@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran.

Volume info

Vol. 16
Series: 64
Spring 2025
P.P: 137-158

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-10-26
Revised:
2026-02-14
Accepted:
2026-03-01
Published:
2026-03-16

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2588-5162
E-ISSN: 2645-517X



Abstract

The aim of the present study was to design a family-centered program to empower military parents with adopted children and its effectiveness on the parent-child relationship and parenting challenges. The present study was a mixed type (quantitative-qualitative). The population of the present study in the qualitative part included all reliable sources related to the subject and in the quantitative part included parents with adopted children in Tehran in 1404. For sampling, initially, 12 experts and parents with adopted children were interviewed semi-structuredly. This process continued until the researchers reached theoretical saturation. Then, 30 parents were selected as the sample group using convenience sampling and were randomly assigned to two experimental and control groups. After that, the participants completed questionnaires on the parent-child relationship and parenting challenges before and after the intervention. Finally, content analysis and analysis of covariance tests were used to analyze the data. The data obtained from the questionnaires were analyzed using SPSSV19 software. The results showed that the protocol for empowering military parents with adopted children has appropriate content and face validity. The results also showed that parental empowerment is effective on the parent-child relationship and parenting challenges, and there is a significant difference between the two experimental and control groups. The results obtained from the present study can be effective in better understanding parenting challenges and providing educational solutions to family specialists and couple therapists.

Keywords: Applied Training Program for Empowering Military Parents, Adopted Children, Parent-Child Relationships, Parenting Challenges

Cite this Article: Shakouei, F., Jadidi, M., & Hassanvandi, S. (2025). Developing an Applied Training Program to Eempower Adoptive Parents and its Effectiveness on the Parent-Child Relationship and Parenting Challenges. *Military Psychology*, 16(64), 137-158.



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



تدوین برنامه توانمندسازی والدین نظامی دارای فرزندخوانده و اثربخشی آن بر رابطه والد- فرزند و چالش‌های والدگری

فرزاد شکوئی^۱ | محسن جدیدی^۲ | صبا حسنوندی^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده روان شناسی بالینی، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران
۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، تهران، ایران. رایانامه: jadidi.mohsen@gmail.com
۳. استادیار، گروه روان شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی برنامه خانواده‌محور توانمندسازی والدین نظامی دارای فرزندخوانده و اثربخشی آن بر رابطه والد- فرزند و چالش‌های والدگری بود. پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کمی-کیفی) بود. جامعه پژوهش حاضر در بخش کیفی شامل کلیه منابع معتبر مرتبط با موضوع و در بخش کمی شامل والدین دارای فرزندخوانده شهر تهران در سال ۱۴۰۴ بود. برای نمونه‌گیری در ابتدا تعداد ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی و حوزوی و والدین دارای فرزندخوانده مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفته‌اند. مبنای تعداد نمونه حصول اشباع نظری بود. سپس تعداد ۳۰ والد به شیوه نمونه‌گیری در دسترس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. پس از آن شرکت‌کنندگان قبل و بعد از اجرای مداخله، پرسشنامه‌های رابطه والد- فرزند و چالش‌های والدگری را تکمیل کردند. در نهایت برای تحلیل داده‌ها، از روش‌های تحلیل محتوا و آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSSV19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد پروتکل توانمندسازی والدین نظامی دارای فرزندخوانده از روایی محتوایی و صوری مناسبی برخوردار است. همچنین نتایج نشان داد توانمندسازی والدینی بر رابطه والد- فرزند و چالش‌های والدگری اثربخش است و بین دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر می‌تواند در درک بهتر چالش‌های فرزندپروری و ارائه راهکارهای آموزشی به متخصصان خانواده و زوج درمانگران موثر باشد. **کلیدواژه‌ها:** برنامه آموزشی کاربردی توانمندسازی والدین نظامی، فرزندخوانده، رابطه والد- فرزند، چالش‌های والدگری.

سال و شماره

سال ۱۶، پیاپی: ۶۴

زمستان ۱۴۰۴

صص: ۱۵۸-۱۳۷

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۵۱۶۲-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۵۱۷۲-۲۶۴۵



استناد: شکوئی، فرزاد، جدیدی، محسن، حسنوندی، صبا. (۱۴۰۴). تدوین برنامه توانمندسازی والدین نظامی دارای فرزندخوانده و اثربخشی آن بر رابطه والد- فرزند و چالش‌های والدگری، فصلنامه روانشناسی نظامی، ۱۶(۶۴)، ۱۳۷-۱۵۸.



ناشر: دانشگاه جام امام حسین(ع). نویسندگان.



مقدمه

خانواده‌های نظامی از جمله گروه‌هایی هستند که فشارهای کاری، مستقیماً وارد زندگی خانوادگی آن‌ها می‌شود. این فشارها فقط متوجه فرد نظامی نیست، بلکه همسر و فرزندان نیز به‌طور مداوم با پیامدهای آن زندگی می‌کنند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها شرایط سخت کاری و شیفت‌های سنگین است. مأموریت‌های طولانی، شیفت‌های شبانه، آماده‌باش‌های ناگهانی و گاه دوری‌های چندماهه باعث می‌شود حضور فیزیکی و عاطفی والد نظامی در خانه محدود شود (قوی‌دست و حسنوندی، ۱۴۰۴). از این رو، در حوزه فرزندپروری، خانواده‌های نظامی با دشواری‌های خاصی روبه‌رو هستند. هماهنگ کردن نقش پدر یا مادر نظامی با نیازهای عاطفی کودک آسان نیست.

فرزندپذیری فرآیند اجتماعی پیچیده‌ای است که اغلب چالش‌انگیز بوده و همیشه رضایت‌بخش نیست (عمرانی و همکاران، ۱۴۰۴). اضطراب، مسائل ناباروری و نگرش‌های منفی جامعه تنها برخی از عوامل استرس‌زای پیش از فرزندپذیری است که بسیاری از خانواده‌ها آن را تجربه می‌کنند (پینکوات و لاک^۱، ۲۰۲۵). ضربه‌های اولیه زندگی و تجربه زندگی در مؤسسات، کودکان فرزندخوانده را در خطر بالاتری برای ابتلا به مسائل رفتاری و هیجانی در مقایسه با کودکان غیر فرزندخوانده قرار می‌دهد. کودکان فرزندخوانده معمولاً دامنه‌ای از تجارب آزار از قبیل آزار جسمی و غفلت توسط والدین زیستی را قبل از فرزندپذیری دارند که بر سازگاری آنان تأثیر منفی می‌گذارد (رادماچر^۲، ۲۰۲۵). اکثر کودکان فرزندخوانده دارای تجربه زندگی مؤسسه‌ای هستند که با مشکلات گوناگون جایگزینی همبسته است (ماندا و دامایاهی^۳، ۲۰۰۸). کودکانی که در مؤسسات نگهداری می‌شوند به واسطه عدم تناسب تعداد مراقبان و کودکان و تغییر متناوب مراقبان و در نتیجه کیفیت پائین مراقبت، در معرض خطر تأخیر رشد شناختی-حرکتی، زبان و رشد مهارت‌های ارتباطی قرار دارند (ماروف و همکاران^۴، ۲۰۲۵).

فرزندپذیری موضوع ساده‌ای نیست و آمیزه‌ای از موضوعات و مسائل پیچیده را در برمی‌گیرد که هم قبل از وارد شدن به فرایند فرزندپذیری خانواده‌ها بسیار درگیر هستند که حتی می‌توانند

-
1. Pinquart, M., & Lau
 2. Rademacher
 3. Manda, D., & Darmayant
 4. Ma'ruf

مانعی برای پذیرش فرزند محسوب شوند (یانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۵) و هم هنگام ورود به این فرآیند که به تدریج برای مثلث فرزندپذیری در این حوزه مشکلات آشکار می‌شوند (کاکماک^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). به عبارت دیگر، با ورود فرزند جدید به خانواده، خانواده جدید نیز درگیر مسائلی چون نقش تربیتی، شکل‌گیری منظومه والدینی، تعریف مشغله‌های عاطفی و ایفای نقش‌های جدید می‌گردد به نحوی که عملکرد و ساختار خانواده نیاز به تغییری اساسی خواهد داشت. پذیرش فرزند در بین زوج‌هایی که احتمالاً با چالش‌هایی نظیر ناباروری و برچسب‌های اجتماعی ناشی از آن مواجه می‌گردند، هم می‌تواند مایه عملکرد مطلوب‌تر خانواده گردد و هم می‌تواند مشکلات جدیدی را پیش روی زوج قرار دهد.

توانمندسازی خانواده فرایندی پویا، مثبت، تعاملی و اجتماعی است که در ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد و نگرش، دانش و رفتار خانواده را در زمینه‌ی ارتباط با فرزند، سیستم خدمات و جامعه شرح می‌دهد (حاج حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). آموزش والدین برای توانمندسازی، نقاط قوت و شایستگی آن‌ها را نمایان می‌کند تا بتوانند امکان تغییر را پیدا کنند. از آنجایی که استرس خانواده‌هایی که فرزندخوانده دارند به دلیل مسائلی که در طول زمان تغییر می‌کند رو به افزایش است، متخصصان باید خانواده‌ها را با تنوعی از راهبردهای مقابله‌ای برای افزایش توانایی رویارویی با این مسائل آماده کنند. به همین دلیل، حمایت و مداخله‌های تخصصی برای خانواده‌ها بسیار ارزشمند است (گلدبرگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

روابط والد-فرزندی معمولاً به کیفیت تعاملات والدین با فرزندانشان اشاره دارد و دربرگیرنده ترکیبی از رفتارها، دلبستگی‌ها و تعاملاتی است که منحصر به والدین و فرزند بوده و موجب بروز تعاملات قوی بین والدین و کودک می‌گردد (طباطبایی نیا و شاهوردی، ۱۴۰۴). همچنین به درک و پذیرش متقابل بین والدین و کودک کمک می‌کند (مک‌کی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). بدین جهت رابطه والد-فرزندی به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در شکوفایی، شایستگی و بهزیستی همه افراد است (فار و وازکز^۵، ۲۰۲۰).

1. Yong

2. Kakmack

3. Goldberg

5. Mackay

5. Faz & Wazckez

یکی دیگر از مشکلات خانواده‌های نظامی دارای فرزندخوانده، تنش‌های والدگری است (حسنوندی، منادی و اخوان، ۲۰۱۷، قربانی و همکاران، ۱۴۰۳). تنش‌های والدگری نوعی واکنش روانشناختی ناشی از خواسته‌های والدین تعریف شده است (برتون^۱، ۲۰۱۰). در پژوهش کمپل^۲ و همکاران (۲۰۱۶) بیان شد که فرزندخوانده‌ها در بدو ورود به خانواده جدید تاخیر در رشد شناختی و حرکتی دارند و سایر پژوهش‌ها مشکلات جسمانی و روانشناختی را نیز در این کودکان تأیید کردند (بچ^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). نتایج تحقیقات بوئس^۴ و همکاران (۲۰۲۳) نشان داده است که والدین دارای فرزندخوانده تنیدگی و تنش بیشتری را در نتیجه مشکلات رفتاری کودکان خود تجربه می‌کنند (بوئس و همکاران، ۲۰۲۳).

با توجه به موارد ذکر شده در قبل برای رسیدن به یک ساختار سالم و صحیح والد فرزندی در خانواده‌های نظامی نیاز به شناسایی عوامل موثر بر این پدیده وجود دارد، تا بتوان به یک سازگاری با سبک جدید زندگی برسند و در غیر این صورت مشکلات و چالش‌های حل نشده می‌تواند بر رابطه والد-فرزند و تنش والدین تأثیر داشته باشد (معاون جولا و همکاران، ۱۴۰۴، حجتی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۳). برنامه‌های آموزشی می‌تواند به این خانواده‌های نظامی در راستای سازگار شدن و کاهش مشکلات فرزندخوانده و والدین کمک نماید. با توجه به مرور نظام‌مند پژوهش‌های پیشین، تاکنون پژوهشی که به بررسی و طراحی برنامه توانمندسازی والدین نظامی دارای فرزندخوانده به صورت کیفی پردازد وجود نداشت، به این معنی که عمده پژوهش‌های پیشین از مداخلات و برنامه‌هایی جهت توانمندسازی والدین استفاده می‌کردند که جنبه عمومی داشته و توانمندسازی اکثر افراد را در شرایط مختلف مورد بررسی قرار می‌داد. ضرورت آماده‌سازی والدین نظامی به منظور درک بهتر از حضور فرزند جدید در محیط خانواده و وجود مهارت‌های فرزندپذیری ویژه برای این والدین مشخص می‌شود. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال طراحی برنامه توانمندسازی والدینی خانواده‌های دارای فرزند خوانده می‌باشد و در

-
1. Burton
 2. Campbell
 3. Becht
 4. Boese

گام بعدی بررسی خواهد کرد که آیا این برنامه طراحی شده بر رابطه والد-فرزندی، تنش‌های والدگری موثر است؟

مبانی نظری

نظریه سیستمی خانواده (بون^۱، ۱۹۷۸)، خانواده را یک کل به هم پیوسته می‌داند که رفتار هر عضو بر سایر اعضا اثر می‌گذارد. بر اساس این دیدگاه، مشکل یک فرد، اغلب ریشه در کل نظام خانواده دارد. در این نظریه، خانواده نهادی اجتماعی است که کارکردهای مشخصی دارد مانند اجتماعی کردن فرزندان، حمایت عاطفی و ثبات روانی اعضا. افزون بر این در نظریات سیستمی مانند نظریه مطرح شده کل اعضا در این سیستم روی هم اثر می‌گذارند و حاصل این تاثیرگذاری نظامی از باورهاست که کلیت خانواده را جهت می‌دهد و تاریخ خانواده را رقم می‌زند.

طبق نظریه یادگیری اجتماعی در خانواده (بندورا^۲، ۱۹۷۷) این نظریه خانواده را محیط اصلی یادگیری مشاهده‌ای می‌داند. کودکان رفتار، شیوه حل تعارض و تنظیم هیجان را از والدین یاد می‌گیرند. یادگیری مشاهده‌ای نظامی از الگوها را شکل می‌دهد که فرد یاد می‌گیرد در موقعیت‌های مختلف چگونه عمل کند و نظام رفتاری خود را شکل دهد.

نظریه والش^۳ (۲۰۱۶)، فرزندپروری را نه صرفاً مجموعه‌ای از سبک‌ها، بلکه بخشی از نظام تاب‌آور خانواده می‌داند. او معتقد است که کیفیت رشد کودک، بیش از آن که به شرایط بیرونی وابسته باشد، به چگونگی سازگاری خانواده با فشارها و بحران‌ها بستگی دارد.

از نظر بروان^۴ (۲۰۲۳) مهمترین منبع تنیدگی که والدین دارای فرزندخوانده تجربه می‌کنند، عدم رضایت خانواده و اعضای خانواده از رفتارهای کودک و حمایت‌های حرفه‌ای ناکافی است (برتون و همکاران، ۲۰۱۰). تنیدگی تجربه شده توسط مادران و پدران دارای فرزندخوانده بستگی به عوامل متعددی دارد. برای مدیریت تنیدگی، تشخیص زودرس این گونه اختلالات، دسترسی به سیستم مراقبتی و حمایتی جهت ارائه مشاوره به خانواده، را پیشنهاد داده‌اند. علی اکبری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود بیان کردند که روابط والد-فرزندی در خانواده‌های دارای

1. Bowen
2. Bendora
3. Walsh
4. Braun

فرزند خوانده، در زمینه پذیرش نقش والدی، ابزارهای تطابقی، تعاملات با اطرافیان، بسیار ضعیف است.

پیشینه پژوهش

گستره وسیعی از ادبیات پژوهشی بیانگر آن است که والدین دارای فرزند خوانده استرس بیشتری را تحمل می کنند (کنزی و همکاران، ۲۰۱۹). به اعتقاد کنزی و همکاران (۲۰۱۹) استرس والدین تأثیر بسزایی در روابط والدین و فرزند، عملکرد خانواده و رشد فرزندان دارد. بنابراین توجه به مسائل و مشکلات والدین دارای فرزندخوانده، به برنامه ای منسجم و جامع نیازمند است تا والدین و خانواده ها را در فایق آمدن بر مشکلات روانشناختی کمک کند (ذوقی فیاض و همکاران، ۱۳۹۱).

مالم و ولتی^۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان کاوشی در انگیزه های فرزندپذیری به مطالعه انگیزه های والدینی می پردازد که اقدام به فرزندپذیری کرده اند. تحقیق آن ها نشان می دهد که سه نوع فرزندپذیری شامل سیستم مراقبت پرستاری، خانوادگی خصوصی و بین المللی در برخی جنبه ها انگیزه های مشابهی برای فرزندپذیری دارند. والدینی که توانایی فرزند آوردن ندارند در هر سه نوع فرزندپذیری وجود داشتند و در خصوص انتخابشان رضایت داشتند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که این والدین دارای ویژگی نوع دوستی هستند. در این تحقیق تنها ۵۲ درصد از افرادی که اقدام به فرزندپذیری کرده اند، دارای مشکل ناباروری بوده اند و به این دلیل اقدام به فرزندپذیری کرده اند.

دونور^۲ (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی بهترین راه برای آماده سازی و حمایت از والدین فرزندپذیر پرداخته است. وی در پژوهش خود به تدوین برنامه آموزشی پرداخته است که بر آماده سازی والدین جهت درک و مدیریت رفتارهای فرزندان شان تمرکز دارد و بیان نموده که اطلاعات داده شده به والدین به عنوان راهنمایی است که در تمام حوزه های مختلف، آن ها را راهنمایی می کند.

1. Malm & Welte

2. Donor

کارنر-هولت و برتون^۱ (۲۰۱۴) پژوهشی با هدف بررسی اثربخشی برنامه تعامل والد-فرزند بر روی خانواده‌های دارای فرزند خوانده انجام دادند و نتایج نشان داد این مداخله توانست همدلی را بین والد و فرزندخوانده افزایش دهد و بهبود ارتباط و رضایت بیشتر از ارتباط را به همراه داشت.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است. طرح پژوهش حاضر آمیخته (کیفی- کمی) بود. در بخش کیفی از شیوه تحلیل محتوای مصاحبه استفاده شد. در بخش کیفی پژوهش، در قالب روش پدیدارشناسی، پس از بازنگری منابع نظری و پیشینه پژوهشی، از طریق مصاحبه با والدین و متخصصان، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. در گام بعدی با بهره‌گیری از یافته‌های به دست آمده، برنامه توانمندسازی والدین تدوین و با مشورت با گروهی از متخصصان تکمیل گردید. در قسمت کمی پژوهش از روش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل و روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی و درصد) و استنباطی (تحلیل کواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری) استفاده شد.

جامعه پژوهش در بخش کیفی شامل کلیه منابع، اسناد و مدارک علمی معتبر مرتبط با موضوع، کلیه متخصصان حوزه روانشناسی، مشاوران خانواده و فرزندخواندگی بهزیستی تهران و همچنین والدین دارای فرزندخوانده برای طراحی سؤالات مصاحبه و انجام مصاحبه بود. نمونه کیفی پژوهش شامل کلیه مقالات منتشر شده در مجلات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع که در ۵ سال اخیر منتشر شدند و همچنین تعداد ۴ متخصص روانشناسی و مشاوره و ۸ والد دارای فرزندخوانده به روش نمونه‌گیری هدفمند بود. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که پس از طراحی سؤالات مصاحبه بر اساس مبانی نظری و ادبیات موجود، مطالعه و بررسی مقالات و منابع معتبر و بررسی روایی و اعتبار سؤالات نمونه‌گیری هدفمند به عمل آمد. ملاک تعداد نمونه بخش متخصص و والدین اشباع نظری بود. سپس افراد انتخاب شده مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته طراحی شده توسط پژوهشگر قرار گرفته‌اند (محتوای سؤالات مصاحبه در اختیار ۳ عضو هیات علمی روانشناسی و مشاوره قرار گرفت و با اعمال اصلاحات تأیید شد). سپس مصاحبه

1. Carnes-Holt, K., & Bratton

نیمه ساختاریافته در بین اعضا اجرا شد. این عمل تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر به یک اشیاع نظری رسید و بر روی تعداد ۱۲ نفر اشیاع نظری بدست آمد (قابل ذکر است که در نمونه خبرگان در مصاحبه ۴ و در نمونه خبرگان در نمونه ۸ اشیاع نظری به عمل آمد).

جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه خانواده‌های دارای فرزندخوانده بهزیستی تهران در سال ۱۴۰۴ بوده‌اند. تعداد ۳۰ والد دارای فرزندخوانده که شرایط ورود به پژوهش را داشته‌اند به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل قرار داده شد و مورد مداخله توانمندسازی والدینی قرار گرفتند. دلیل انتخاب تعداد ۳۰ نفر بر اساس نرم‌افزار تعیین حجم نمونه G Power 3 و با در نظر گرفتن پارامترهای زیر محاسبه شد.

ملاک‌های ورود شامل دارای فرزندخوانده، رضایت آگاهانه از مشارکت در پژوهش، نداشتن بیماری روانی و توانایی پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه‌ها بود. ملاک‌های خروج شامل غیبت بیش از ۳ جلسه در جلسات آموزشی، شرکت همزمان در جلسات مشاوره و روان‌درمانی دیگر بود. در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها، بر حسب نیاز از روش‌های کیفی شامل تحلیل محتوا و کمی شامل آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد) و آمار استنباطی با روش تحلیل کوواریانس تک‌متغیری (ANCOVA) و چندمتغیره (MANCOVA) استفاده شد. داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSSV19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

سؤالات پژوهش

- ۱- آیا برنامه آموزشی کاربردی توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده دارای روایی است؟
- ۲- آیا برنامه آموزشی کاربردی توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده بر رابطه والد-فرزند و چالش‌های والدگری موثر است؟
- ۳- آیا برنامه آموزشی کاربردی توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده بر چالش‌های والدگری موثر است؟

ابزار

۱. مصاحبه نیمه ساختاریافته: در پژوهش حاضر مصاحبه نیمه ساختاریافته‌ای طراحی شد که سؤالات آن با بررسی پیشینه نظری و پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش از بین کتب و مجلات داخلی و خارجی مربوط به توانمندسازی والدینی در سال‌های اخیر و همچنین مصاحبه با خبرگان و والدین دارای فرزندخوانده و مستندات موجود در پایگاه‌های علمی شامل ISI، Irandoc، Magiran، SID، Scienedirect، Scopus، Pupmed و ... که با توجه به کلید واژه‌های والدین، توانمندسازی والدین، توانایی‌های والدین و فرزندخوانده‌ها، شاخص‌های توانمندسازی و روش‌های توانمندسازی جستجو و تنظیم شد. در این تحقیق ۹ سؤال باز با الهام از مبنای نظری موجود طراحی شد که بر اساس یافتن تم‌های پر تکرار تبدیل به سؤالات نیمه‌باز شد. پس از آن، سؤالات مصاحبه‌ها در اختیار تعدادی از متخصصان حوزه روانشناسی و مشاوره (۳ نفر) قرار داده شد و مورد ارزیابی و تصحیح قرار گرفت. هر مصاحبه ۴۵ دقیقه در نظر گرفته شد تحلیل مصاحبه‌ها در طول جمع‌آوری داده‌ها انجام شد، به این صورت که ابتدا هر مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت و سپس مصاحبه بعدی انجام گرفت. در مطالعه حاضر، برای تعیین روایی سؤالات مصاحبه از رویکرد قضاوت صوری و محتوا مبتنی بر آراء ۳ نفر از خبرگان دانشگاهی استفاده شد. ضریب روایی صوری و محتوای مصاحبه مطابق جدول شماره یک برابر با ۰/۸۶ محاسبه شد که ضریب مطلوبی است.

جدول ۱. ارزیابی روایی صوری و محتوایی سؤالات مصاحبه

ارزیاب ۳	ارزیاب ۲	ارزیاب ۱	
۵	۴	۵	انشاء سؤالات
۵	۵	۴	انطباق سؤالات با مبانی نظری
۵	۵	۳	انطباق سؤالات با محورهای تحقیق
۴	۴	۵	کفایت سؤالات برای پوشش دادن اهداف
۴	۴	۵	نیاز به اصلاح سؤالات
۴/۶	۴/۴	۴/۴	میانگین امتیازات
۴/۴۷			میانگین
۰/۸۶			روایی

۲. برنامه توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده: پس از بررسی مطالعاتی که بر روی برنامه‌های توانمندسازی والدین صورت گرفته و همچنین پس از مطالعات گسترده در زمینه پژوهش‌های که به نقش توانمندسازی بر روی والدین پرداختند و همچنین بر اساس مصاحبه‌هایی که بر روی خبرگان و والدین دارای فرزندخوانده اجرا شد، مهمترین موارد مربوط به توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده شناسایی شده و مورد مطالعه قرار گرفته شد و در ادامه ارائه شده است.

جدول ۲. خلاصه برنامه آموزشی توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده

جلسه	عنوان جلسه	شرح جلسه	اهداف رفتاری
اول	معارفه و ارائه تعاریف و مصادیق توانمندسازی	معارفه والدین شرکت کننده در پژوهش، اجرای پیش آزمون	ارائه تکلیف عملی در خصوص توانمندی های شخصی
دوم	کشف استعدادها و توانایی های پنهان والدین	گزارش وضعیت جلسه قبل و ارائه بازخورد، بیان توانمندی ها	توصیف توانمندی های شخصی والدین
سوم	تمرکز بر منابع درونی و نقاط قوت بجای کمبودها	گارشی وضعیت جلسه قبل و ارائه بازخورد، در این جلسه به افراد آموزش داده می شود تا بجای تمرکز بر روی کمبود (نداشتن فرزند) سایر منابع درونی خود را بشناسند و بر روی آنها تمرکز کنند.	ارائه تکلیف عملی شناسایی منابع درونی
چهارم	خودآگاهی و دید مثبت به فرزندخوانده	گزارش وضعیت جلسه قبل و ارائه بازخورد، تعاریف خودآگاهی و مصادق ها و ملاک های آن	بیان نیازها و خودآگاهی
پنجم	حل مشکلات شخصی و اجتماعی مربوط به فرزندخواندگی	آموزش مشکلات شخصی و اجتماعی مربوط به فرزندخواندگی	ارائه تکلیف عملی مدیریت فرزندخواندگی
ششم	مهارت تصمیم گیری و انتخاب فرزندخوانده	یادگیری الگو برای تصمیم گیری	بیان تصمیمات شخصی در خصوص فرزندخواندگی
هفتم	برقراری ارتباط	آشنایی با مهارت ارتباط مؤثر و ویژگی های	ارائه تکلیف عملی در

جلسه	عنوان جلسه	شرح جلسه	اهداف رفتاری
	مؤثر با فرزندخوانده	آن، توانمندسازی والدین در برقراری ارتباط مؤثر با فرزندخوانده به صورت ایفای نقش	خصوص ارتباط مؤثر
هشتم	احساس اثربخشی و خودکارآمدی و اختتامیه	آموزش خوداثربخشی و خودکارآمدی به فرد، تقویت کارآمدی فرد، طریقه دستیابی به موفقیت‌های گذشته اعضا و توجه بیشتر به مهارت‌های خود فرد، اجرای پس‌آزمون	تکلیف عملی سنجش خودکارآمدی

۳. پرسشنامه رابطه والد-فرزند^۱ (CPRS): این پرسشنامه توسط مارک-فاین، مورلند و اسچوبل^۲ (۱۹۸۳) طراحی شده که به منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان بکار می‌رود. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه بوده و دو فرم دارد که یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. هر دو فرم برای پدر و مادر یکسان است، به جز کلمات «پدر» و «مادر» که قابل تغییر است. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای می‌باشد. گویه‌های شماره ۹، ۱۳ و ۱۴ بصورت معکوس نمره گذاری می‌شوند و سپس نمرات گزینه‌ها جمع می‌شوند و به عنوان نمره کل رابطه والد با فرزند در نظر گرفته می‌شود. حداقل نمره ۲۴ یعنی نمره ۲۴ تا ۴۸ رابطه ضعیف، حد متوسط نمره ۹۶ یعنی نمره ۴۸ تا ۹۶ رابطه متوسط و حداکثر نمره ۱۶۸ یعنی نمره ۹۶ تا ۱۶۸ نشان از رابطه خوب می‌باشد. ضریب اعتبار مقیاس رابطه والد-فرزند به روش آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که این میزان برای پرسشنامه فرم پدر برابر با ۰/۹۳ و برای فرم مادر ۰/۹۲ بوده است که نشان دهنده همسانی درونی خوبی است (غباری بناب و همکاران، ۱۳۹۷). میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر از طریق همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ بدست آمد.

پرسشنامه تنش‌های والدگری^۳: این پرسشنامه توسط آبدین (۱۹۹۵) در پاسخ به نیاز متخصصان بالینی برای تهیه یک مقیاس معتبر به منظور اندازه‌گیری استرس در روابط والد-فرزند که در یک زمان محدود قابل اجرا باشد، ساخته شد. فرم کوتاه مقیاس استرس والدینی شامل ۳۶ سوال است که شامل سوالاتی است با همان عبارت‌هایی که مستقیماً در فرم اصلی بلند وجود دارد. این مقیاس

1. Child-Parent Relationship Scale
2. Fine, Moreland & Schwebel
3. Parental Stress Index

استرس کلی را اندازه‌گیری می‌کند. شیوه نمره‌گذاری به روش لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم از ۱ تا ۵ انجام می‌شود. نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشان از تنش بیشتر بین والد و فرزند بوده و نمرات پایین‌تر حاکی از تنش کمتر بین والد و فرزند می‌باشد. هفت آیت‌م این پرسشنامه شامل سوالات (۱، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵) دارای نمره‌گذاری معکوس هستند، به این معنا که نمرات بالاتر در این ماده‌ها به معنای تجربه والدینی مثبت است. دارای سه مولفه شامل رضایت (۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۶)، کارآمدی (۱، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵) و علاقه‌مندی (۱۲، ۱۴) است (سرابی، ۱۳۸۹). این مقیاس در ایران توسط فدایی، دهقان، طهماسیان و فراهادی (۱۳۸۹) هنجاریابی شده است و ضریب پایایی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و به روش بازآزمایی پس از ۱۸ روز ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر از طریق همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمد.

یافته‌های پژوهش

در بخش کیفی، مصاحبه از ۸ والد و ۴ خبره به عمل آمد. ۳ نفر از والدین مصاحبه شده آقا و ۵ نفر خانم بوده‌اند. میانگین و انحراف استاندارد سنی این والدین $42/26 \pm 7/12$ بود. ۴ نفر از والدین دارای تحصیلات لیسانس و ۴ نفر دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. همچنین ۲ نفر از خبرگان آقا و ۲ نفر خانم بودند که در دامنه سنی $32/24 \pm 3/33$ قرار داشتند. هر ۴ فرد خبره دارای تحصیلات دکتری تخصصی در رشته روانشناسی و مشاوره بودند. از سویی در بخش کمی این پژوهش ۳۰ والد دارای فرزندخوانده (۱۵ نفر گروه کنترل و ۱۵ نفر گروه آزمایش) شرکت داشته‌اند. دامنه سنی کلیه افراد شرکت‌کننده در این پژوهش ۳۵ تا ۵۵ سال بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد سن برای گروه آزمایش $44/60 \pm 6/23$ ، گروه کنترل $46/87 \pm 5/90$ و برای کل نمونه $45/73 \pm 6/07$ بود.

تعداد ۱۶ نفر (۵۳/۳٪) دارای جنسیت زن و ۱۴ نفر (۴۶/۷٪) دارای جنسیت مرد بوده‌اند. تعداد ۱۵ نفر (۵۰٪) در گروه کنترل و ۱۵ نفر (۵۰٪) در گروه آزمایش حضور داشته‌اند. برای بررسی یافته‌های توصیفی از میانگین به‌عنوان شاخص گرایش مرکزی و انحراف استاندارد به‌عنوان شاخص پراکندگی استفاده شد. نتایج توصیفی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳. اطلاعات جمعیت شناخت شرکت کنندگان در بخش کیفی و کمی

گروه	تحصیلات	میانگین سن	انحراف استاندارد سن
کیفی	دکتر	۳۲/۲۴	۳/۳۳
	۴ نفر لیسانس و ۴ نفر فوق لیسانس		
کمی	آزمایش	۴۴/۶۰	۶/۲۳
	کنترل	۴۶/۸۷	۵/۹۰

جدول ۴. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	گروه	پیش آزمون (انحراف معیار $\pm$ میانگین)	پس آزمون (انحراف معیار $\pm$ میانگین)
تنش های والدگری	آزمایش	۱۰۸/۰۷ $\pm$ ۲۰/۹۶	۸۷/۲۷ $\pm$ ۲۰/۴۲
	کنترل	۱۰۹/۹۳ $\pm$ ۲۲/۳۴	۱۰۷/۸۷ $\pm$ ۱۷/۲۲
	کل	۱۰۹/۰۰ $\pm$ ۲۱/۳۰	۹۷/۵۷ $\pm$ ۲۱/۳۱
رابطه والد- فرزند	آزمایش	۹۶/۷۳ $\pm$ ۹/۶۲	۱۱۵/۲۰ $\pm$ ۱۴/۹۹
	کنترل	۹۷/۵۳ $\pm$ ۱۲/۷۵	۹۹/۸۰ $\pm$ ۱۳/۰۸
	کل	۹۷/۱۳ $\pm$ ۱۱/۱۰	۱۰۵/۵۰ $\pm$ ۱۵/۸۸

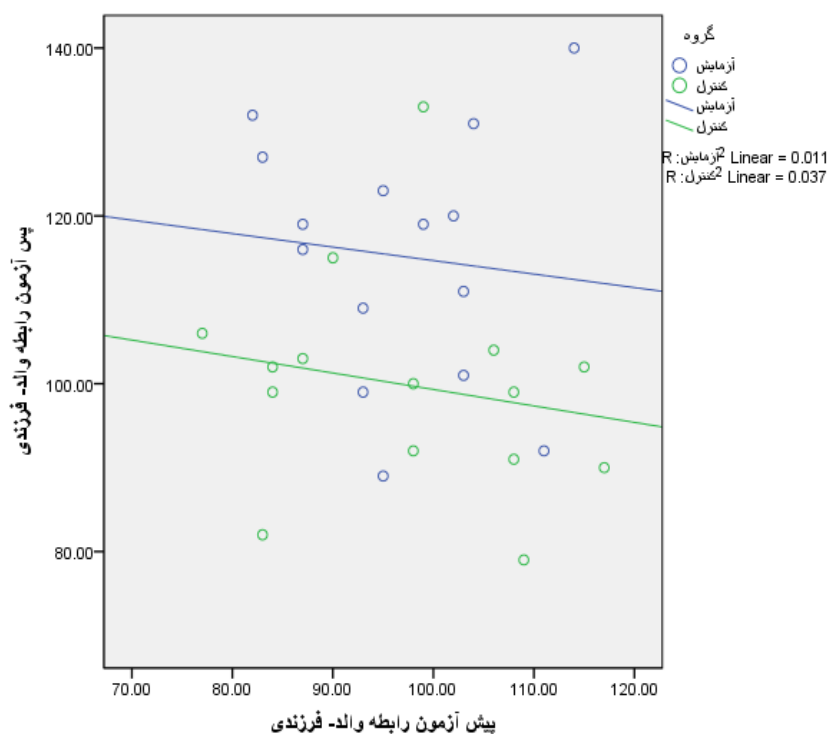
همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه ها و مراحل آزمون ارائه شده است. پس از بررسی یافته های توصیفی در ادامه به بررسی یافته های استنباطی پژوهش پرداخته شد. از مصاحبه با ۱۲ نفر از والدین، خبرگان و متخصصان (بر مبنای محورهای از پیش تعیین شده)، در مرحله کدگذاری باز ابتدا ۸۵ کد

استخراج شد که پس از بازبینی و اصلاح، ۸۴ مفهوم نهایی شد. این ۸۴ مفهوم در ۴۵ مقوله دسته-بندی گردید. ۴۵ مقوله نیز در ذیل ۷ مقوله محوری تعریف شدند. همان‌طور که در جدول فوق قابل مشاهده است، بر اساس کدها و طبقات به دست آمده و نظرخواهی از متخصصان، برای توانمندسازی والدین مدلی با ۷ طبقه اصلی (کشف توانایی‌های پنهان والدین، توجه به منابع درونی و نقاط قوت به جای کمبودها، خودآگاهی و دید مثبت به فرزندخواندگی، حل مشکلات شخصی و اجتماعی مربوط به فرزندخواندگی، مهارت تصمیم‌گیری و انتخاب فرزندخوانده، برقراری ارتباط مؤثر با فرزندخوانده و احساس اثربخشی و خودکارآمدی) و ۴۵ زیر طبقه به دست آمده است. پس از مشخص شدن مهمترین مؤلفه‌های توانمندسازی والدینی، به منظور بررسی اعتبار این مؤلفه‌ها از ۵ نفر متخصص به عنوان ارزیاب نظرخواهی به عمل آمد. برای این منظور میزان روایی محتوایی CVR مورد بررسی قرار گرفت. تعداد ۵ متخصص به عنوان ارزیاب در خصوص برنامه توانمندسازی والدینی خانواده‌های دارای فرزندخوانده نظرات خود را ارائه کرده‌اند که از این تعداد ۴ نفر موافق بوده، ۱ نفر با اعمال برخی اصلاحات نیز توافق خود را اعمال کرد. برای محاسبه ضریب پایایی ارزیاب‌ها برای تعیین توافق بین ارزیاب‌های مدل استفاده شد.

$$\frac{\text{تعداد توافق}}{\text{تعداد کل ارزیاب‌ها}} (100) = \frac{5}{5} (100) = 100$$

= پایایی ارزیاب‌ها

با توجه با آنچه از نتایج CVR و ضریب پایایی ارزیاب‌ها به دست آمده است، می‌توان گفت برنامه توانمندسازی والدینی خانواده‌های دارای فرزندخوانده از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. مقدار آماره آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در نمرات پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه کنترل و آزمایش برای متغیر رابطه والد- فرزند معنی دار نبود ($p < 0/0567$). به این معنی که سطح معناداری بدست آمده بیش از آلفای ($p > 0/05$) است. در نتیجه، فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش در نمرات متغیر رابطه والد- فرزند رعایت شده است. از دیگر شرایط آزمون کوواریانس وجود ارتباط خطی بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون متغیر مورد پژوهش است.



شکل ۱. نمودار پراکنش ارتباط خطی نمرات پیش آزمون و پس آزمون رابطه والد-فرزندی

با بررسی نمودار ۱ آشکار می‌گردد که مفروضه ارتباط خطی در پیش آزمون و پس آزمون رابطه والد-فرزندی مبنی بر موازی بودن خطوط رگرسیون صادق است؛ یعنی، با توجه به این واقعیت که شیب‌ها به طور تقریبی موازی هستند، این امر تأیید شده است. مفروضه دیگر آزمون کوواریانس همگنی شیب رگرسیون نمرات پیش آزمون و پس آزمون است. مقدار آماره $(0/005)$ بدست آمده از آزمون با سطح معنی‌داری $(0/944)$ از $0/05$ بیشتر است. از این رو، تعامل ناشی از داده‌های این آزمون معنی‌دار نمی‌باشد. یعنی، فرضیه همگنی شیب رگرسیون تأیید می‌شود. علاوه بر آن به منظور بررسی واریانس‌های خطا از آزمون لون استفاده شد. نتایج این آزمون نشان از برقراری مفروضه واریانس‌های خطا بود $(p=0/332)$ و $(F=0/976)$ و $(1 و 28)$. در نهایت با توجه به برقراری مفروضات تحلیل کوواریانس در ادامه نتایج حاصل از این تحلیل ارائه شده است.

جدول ۵. مفروضه های تحلیل کوواریانس

مفروضه	آماره	F	سطح معنی داری
ارتباط خطی	۰/۲۳۴	۰/۵۶۷	۰/۴۵۶
شیب رگرسیون	۰/۳۱۴	۰/۶۷۵	۰/۹۴۴
لون	۰/۶۱۴	۰/۹۷۶	۰/۵۶۱

جدول ۶. نتایج آزمون کوواریانس تک متغیری برای مقایسه گروهی در متغیر رابطه والد-فرزندی

شاخص آماری ↓ منابع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig	مجذوراتا	توان آزمون
پیش آزمون	۱۲۰/۰۰۶	۱	۱۲۰/۰۰۶	۰/۵۹۸	۰/۴۴۶	۰/۰۲۲	۰/۱۱۶
گروه	۱۷۴۲/۶۴۰	۱	۱۷۴۲/۶۴۰	۸/۶۸۳	۰/۰۰۷	۰/۲۴۳	۰/۸۱۱
خطا	۵۴۱۸/۷۹۴	۲۷	۲۰۰/۶۹۶	---	---	---	---

درجات آزادی= df؛ سطح معنی داری= sig

با توجه به مقدار آماره آزمون کوواریانس (۰/۵۹۸) با درجه آزادی (۱) و سطح معنی داری (۰/۴۴۶) و مقایسه با آلفای ۰/۰۵ نتیجه گرفته می شود؛ آموزش توانسته تأثیری بر رابطه والد-فرزندی خانواده های دارای فرزندخوانده داشته باشد.

جدول ۷. نتایج آزمون کوواریانس تک متغیری برای مقایسه گروهی در متغیر تنش های والدگری

شاخص آماری ↓ منابع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig	مجذور اتا	توان آزمون
پیش آزمون	۱۱۱۰/۳۶۴	۱	۱۱۱۰/۳۶۴	۳/۳۷۵	۰/۰۷۷	۰/۱۱۱	۰/۴۲۵
گروه	۳۳۴۵/۹۳۹	۱	۳۳۴۵/۹۳۹	۱۰/۱۷۱	۰/۰۰۴	۰/۲۷۴	۰/۸۶۷
خطا	۸۸۸۲/۳۰۳	۲۷	۳۲۸/۹۷۴	---	---	---	---

درجات آزادی= df؛ سطح معنی داری= sig

با توجه به مقدار آماره آزمون کوواریانس (۳/۳۷۵) با درجه آزادی (۱) و سطح معنی داری (۰/۰۷۷) و مقایسه با آلفای ۰/۰۵ نتیجه گرفته می شود؛ آموزش توانسته تأثیری بر تنش های والدگری داشته باشد و از لحاظ آماری این آموزش برای متغیر تنش های والدگری معنی دار است.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر طراحی برنامه توانمندسازی والدینی خانواده های دارای فرزندخوانده و اثربخشی آن بر رابطه والد-فرزندی و تنش های والدگری بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد برنامه توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده بر رابطه والد-فرزندی اثربخش بود، به این معنی که گروه آزمایش پس از دریافت مداخله توانمندسازی والدینی، نمرات بالاتری در رابطه والد-فرزندی کسب کرده اند. این یافته با نتایج پژوهش های (رفاهی، ۱۳۹۲؛ سیستانی پور و همکاران، ۱۴۰۰؛ بهرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ باقیانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کارنز-هولت و برتون، ۲۰۱۴؛ باستون و همکاران، ۲۰۲۰) همخوان بود.

در تبیین یافته های به دست آمده باشد اشاره کرد هنگامی که اعضای خانواده رشد و تغییر می کنند، خانواده با چالش ها و تعارض های ارتباطی مواجه می شود. زندگی خانوادگی مستلزم مدیریت ارتباط است (شیارمن و دوملاو، ۲۰۰۸). هنگامی که کودکان به مرحله نوجوانی می رسند، تعارض والد-نوجوان افزایش می یابد. اگرچه این روند اجتناب ناپذیر نیست، اما رایج است و می تواند برای والدین و نوجوانان پریشانی ایجاد کند. هردوی آنها ممکن است برای آنچه در روزهای خوب گذشته که خانواده هماهنگ است، اتفاق افتاده، احساس نگرانی کنند (ابرت و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو فرزندپروری غیر اثربخش ممکن است به تعارض والد-نوجوان کمک کند. تعارض والد-نوجوان هنگامی که والدین توسط نوجوان، بی توجه و غیر حمایت کننده درک می شوند، بیشتر می شود (بایوقلو و اوزمتی، ۲۰۰۹).

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد برنامه توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده بر تنش های والدگری اثربخش بود، به این معنی که گروه آزمایش پس از دریافت مداخله توانمندسازی والدینی، نمرات کمتری در تنش های والدگری کسب کرده اند. امان الهی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان داده اند که مداخله رابطه درمانی والد-کودک منجر به کاهش

استرس والدگری مادران و افزایش پذیرش والدگری کودکان در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه شده است. از این رو نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چندمتغیری روی میانگین‌های نمره‌های پس‌آزمون استرس والدگری و پذیرش والدینی گروه‌های آزمایش و کنترل نشان می‌دهد که میان گروه آزمایش و گروه کنترل از لحاظ متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که آموزش رابطه درمانی والد-کودک منجر به کاهش استرس والدگری مادران در آزمودنی‌های گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه در مرحله پس‌آزمون شده است. از این رو با توجه به این نتایج می‌توان گفت که آموزش رابطه درمانی والد-کودک منجر به افزایش پذیرش والدینی کودکان در آزمودنی‌های گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه در مرحله پس‌آزمون شده است. همچنین هراتیان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان داده‌اند توانمندسازی رابطه والد-فرزند به‌طور معنی‌دار تنیدگی والدین را کاهش و توانمندی خانواده‌ها را افزایش می‌دهد. به این معنی که با به‌کارگیری درمان‌های والد-فرزندی در خانواده‌ها می‌توان توانمندی اعضای خانواده را افزایش و تنیدگی والدین را کاهش داد. افزون بر آن نعیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود که به اثربخشی برنامه توانمندسازی روانی-اجتماعی بر کاهش استرس والدینی و ارتقای بهزیستی روان‌شناختی والدین پرداخته‌اند به این نتایج دست یافته‌اند که برنامه توانمندسازی روانی اجتماعی اثر معناداری بر کاهش مولفه‌های استرس والدینی و ارتقای بهزیستی روان‌شناختی والدین کودکان دارد. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که برنامه توانمندسازی روانی-اجتماعی می‌تواند به عنوان مداخله‌ای مناسب در کاهش مشکلات روان‌شناختی خانواده‌ها بکار رود. از سوی دیگر کازری و همکاران (۲۰۱۹) استرس والدین در خانواده‌های دارای فرزندخوانده را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه که بر روی والدین ایتالیایی دارای فرزندخوانده انجام شد. نتایج نشان داد نهادینه شدن، حضور/عدم حضور بیماری در بدو ورود، مشکلات عاطفی و رفتاری، بهزیستی فرد والدین (وجود مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی)، روابط بین زوج (رضایت جنسی، حساسیت بین زوج، نزاع) و با زمینه اجتماعی (حمایت اجتماعی واقعی و بالقوه) از عوامل مهم استرس والدین در زمان پذیرش فرزندخوانده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان دهنده اهمیت بسیار بالای سن فرزندان در فرزندخواندگی و مشکلات عاطفی و رفتاری آن‌ها را در پیش‌بینی استرس مادران، دانسته و کیفیت

روابط زوجین را به عنوان یک عامل محافظتی در نظر گرفته که می‌تواند استرس را کاهش دهد. نظر به اینکه استرس والدگری، به صورت استرسی وابسته به نقش والد بودن و در رابطه والد با کودک، از سوی والدین درک می‌شود، می‌تواند بر بهزیستی روانشناختی والدین و کودک، تأثیرگذار باشد. برخی از ویژگی‌های منفی والدگری مانند الگوهای والدگری نامناسب، به کارگیری روش‌های تربیتی سختگیرانه و پایین بودن سطح روابط همدلانه دوسویه میان والدین و فرزندان سبب افزایش استرس میان والدین می‌شود (واترز، ۲۰۱۵).

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر مربوط به قلمرو مکانی و زمانی مطالعه است. این مطالعه بر روی والدین دارای فرزندخوانده شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ اجرا شد. لذا نمی‌توان یافته‌های آن را به سایر اقشار و شهرهای دیگر تعمیم داد. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش این بود که با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه، والدین دارای فرزندخوانده حساسیت بسیار زیادی در زمینه ارائه اطلاعات به دیگران دارند و بنابراین دسترسی به آنان و انجام مصاحبه بسیار دشوار بود. محدودیت دیگر این پژوهش مربوط به روش پژوهشی است. در این مطالعه به بررسی روابط علی و همچنین همبستگی بین متغیرها پرداخته نشد و پژوهش به صورت مداخله‌ای بود و لذا به دست آوردن این یافته‌ها با استفاده از سایر روش‌های پژوهش می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد. با توجه به برجسته بودن نقش توانمندسازی والدینی خانواده‌های دارای فرزندخوانده در رابطه والد-فرزند، عملکرد خانوادگی و تنش‌های والدگری، پیشنهاد می‌شود، برنامه‌هایی از قبیل سخنرانی، برگزاری کارگاه و جلسات آموزش ویژه توانمندسازی والدین دارای فرزندخوانده می‌تواند اثرگذار باشد. علاوه بر آن با توجه به اهمیت توانمندسازی والدینی خانواده‌های دارای فرزندخوانده پیشنهاد می‌شود در رسانه‌های آموزشی، اجتماعی و ارتباطی به اصول و تکنیک‌های توانمندسازی والدینی خانواده‌های دارای فرزندخوانده پرداخته شود و به عنوان یک حرکت ملی به آن نگریده شود تا عموم مردم بخصوص والدین، تغییرات لازم را در خود به وجود آورند.

قدردانی

بدینوسیله نویسندگان از کلیه همکارانی که در انجام این مطالعه یاری رساندند تشکر می‌کنند.

فهرست منابع

- Baghiani Moghadam, Mohammad Hossein; Dehghanpour, Mahdieh; Shahbazi, Hassan; Kahdavi, Jalil; Dastjerdi, Ghasem and Fallahzadeh, Hossein (2013). Investigating the relationship between optimism and general health in students of Yazd University. *Quarterly Journal of Yazd School of Public Health*, 12(2), 89-101.
- Mobasher, Tahereh, and Salehi, Mehrdad. (2019). The relationship between emotional intelligence, ethical spaces and ethical values of companies with auditors' ethical judgment. *Ethics in Science and Technology*, 15(2), 108-114.
- Bahrami, Mohammad Amin; Asemi, Maryam; Fateh Panah, Azadeh and Tehrani, Gholam Reza (2012). The level of moral intelligence of faculty members and staff of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd. *Iranian Journal of Ethics and History of Medicine*, 5(6), 18-25.
- Refahi, Jhaleh and Moqtadari, Nazfar (2013). The effectiveness of group empathy skills training on increasing intimacy between couples. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 8, 44-55.
- Ali Akbari, Mahnaz; Kakujoubiari, Ali Asghar; Amirabadi, Fatemeh; Shaghaghi, Fatemeh; Zare, Noushin and Khaleghi, Faezeh (2013). Investigating the role of theory of mind and executive functions in predicting empathy. *Quarterly Journal of Cognitive Sciences*, 15(2), 1-10.
- Heratian, Abbas Ali and Nozari, Mahmoud (2011). The effect of subsidized games on youth empathy. *Psychology and Religion*, 4(4), 121-140.
- Alvani, Mehdi and Dehbeigi, Mina (2007). The effect of emotional intelligence training on the quality of services of Mellat Bank branches. *Iranian Management Quarterly*, 2(7), 3-12.
- Zoghi Fayyaz, Elahe; Aghamohammadian Sherbaf, Hamid Reza; Alipour, Ahmad and Aliakbari Dehkordi, Mahnaz (2012). Investigating the effectiveness of adoption skills training on reducing stress and changing coping styles of couples seeking children. *Journal of Principles of Mental Health*, 14(55), 19-210.
- Hajhosseini, Mansoureh and Mohaddesi, Vida (2019). Adoption experience and maternal identity construction in infertile adoptive women. *Journal of Social Psychological Studies of Women*, 17(4), 36-7.
- Ghavidast, Mehdi, & Hassanvandi, Saba. (2015). The effect of cognitive behavioral training on improving communication interactions, burnout, and emotional detachment in 40- to 50-year-old female military personnel. *Military Psychology*, 16(1), 167-186.
- Yousefi, Farideh (2013). Causal model of emotional intelligence, cognitive development, cognitive regulation of emotions and general health. PhD thesis in educational psychology, Shiraz University
- Tabatabaeinia, Seyed Reza, & Shahvardi, Maryam. (2015). The effectiveness of solution-focused group therapy on resilience and self-esteem of mothers with children with ADHD in families of armed forces. *Military Psychology*, 16(2), 35-58.
- Ghorbani, Fardin, Zarei, Ebal *(Corresponding author), & Mohammadi, Kourosh. (2024). Family members' relationships in the post-corona era based on the goals of developing a successful and healthy family in the 2020 horizon and in line with Satir's perspective. *Military Psychology*, 15(3), 11-39.
- Moawan Jola, Razieh, Moradi, Hojjatollah, Basri, Ahmad, & Rahmani, Marjan. (2025). The mediating role of mental health in the relationship between perfectionism and parental anxiety with self-efficacy of children of military families. *Military Psychology*, 16(1), 29-45.
- Hajjati Ardakani, Fatemeh, Motahereh, & Choubforoshzadeh, Azadeh. (2024). Investigating the mediating role of resilience in the relationship between self-determination and perceived stress in Azadeh's spouses. *Military Psychology*, 15(4), 157-175.

- andura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall
- Batson, C. D., Bolen, M. H., Cross, J. A., & Neuringer-Benfiel. (2020). Where is the altruism in the altruistic personality? *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 212-220.
- Becht, J. M., Kohlleppe, H., Schins, R. P., & Kämpfer, A. A. (2024). Effect of Butyrate on Food-Grade Titanium Dioxide Toxicity in Different Intestinal In Vitro Models. *Chemical Research in Toxicology*, 37(9), 1501-1514.
- Bowen, M. (1978). *Family Therapy in Clinical Practice*. New York: Jason Aronson
- Boese, V. A., Edgell, A. B., Hellmeier, S., Maerz, S. F., & Lindberg, S. I. (2023). How democracies prevail: democratic resilience as a two-stage process. In *Resilience of Democracy* (pp. 17-39). Routledge.
- Braun, E. (2023). The relationship between parental self-efficacy and unconditional self-acceptance, cognitive flexibility, and self-forgiveness across different parental stages. Hofstra University.
- Burton NW, Pakenham KI, Brown WJ. Feasibility and effectiveness of psychosocial resilience training: A pilot study of the READY program. *Psychol Health Med*. 2010;15(3):266-77.
- Çakmak Tolan, Ö., & Bolluk Uğur, G. (2024). The relation between psychological resilience and parental attitudes in adolescents: A systematic review. *Current Psychology*, 43(9), 8048-8074.
- Campbell-Sills, L., Cohan, S. L., & Stein, M. B. (2016). Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. *Behavior Research and Therapy*, 44(4), 585-599.
- Hassanvandi, Saba, Manadi, Morteza and Akhavan Tafti, Mahnaz. (2017). Identifying family factors in the occurrence of emotional disorders in students from the perspective of parents: A phenomenological study. *Ahvaz Jundishapur Journal of Educational Development*, 8(4), 367-381.
- Pinquart, M., & Lauk, J. (2025). Associations of parenting styles with substance use in the offspring—A systematic review and meta-analysis. *Drug and Alcohol Review*, 44(1), 133-143.
- Rademacher, A., Zumbach, J., & Koglin, U. (2025). Parenting style and child aggressive behavior from preschool to elementary school: The mediating effect of emotion dysregulation. *Early Childhood Education Journal*, 53(1), 63-72.
- Manda, D., & Darmayanti, D. P. (2025). The Role of Parenting Style on Aggressive Behavior of Junior High School Adolescents. *Celebes Journal of Elementary Education*, 3(1), 37-46.
- Omrani, Seyed Amir, Taheri Kamran, Azadeh, Salehi, Mehdi, Dehghanipour Mojared, Neda, & Ternas, Ghazaleh. (2025). The effectiveness of emotional schema therapy on the psychological, emotional and social well-being of women in the families of martyrs suffering from complex persistent grief disorder. *Military Psychology*, 13(50), 147-165.
- Ma'ruf, H., Juhaidi, A., Hafiz, M. R., & Fitri, S. (2025). Uncovering the influence of demographic factors on the emotional regulation of Alpha generation students in Islamic educational institutions in Indonesia: the role of parenting style as a mediator. *Cogent Education*, 12(1), 2511448.
- Walsh, F. (2016). *Strengthening Family Resilience*. New York: Guilford Press.
- Yang, L., Shrestha, S., Zhan, S., & Cheng, F. (2025). Parents' education anxiety and adolescents' academic burnout: The role of parenting style and academic self-efficacy. *Personality and Individual Differences*, 238, 113082.
- Wang, J., Zheng, S., Zhang, M., & Zhao, K. (2025). Parenting styles and adolescents' cyberbullying: The indirect effect of attitude towards human dignity. *Journal of Child and Family Studies*, 34(1), 270-281.